

آواهای کار اقوام و همبستگی ملی

محمد حنیف^۱

چکیده

اقوام مختلفی که در ایران زندگی می‌کنند، فارغ از خصوصیات خاص قومی و مشخصه‌های منطقه‌ای، دارای اشتراکاتی هستند که مجموع آن اشتراکات بخشی از هویت ایرانی را تشکیل می‌دهد. یکی از این اشتراکات ادبیات عامه اقوام مختلف ایرانی است و از این میان، آواهای کار به عنوان جزئی غنی از ادبیات عامه مورد توجه پژوهشگران ادبیات، هنر، و به ویژه موسیقی بوده است. آواهای کار، اشعار، جملات و صداهای آهنگینی است که به هنگام کار و با اهداف مشخصی خوانده می‌شود، این آواها با وجود تأثیرپذیری از جغرافیا و فرهنگ اقوام مختلف، گاه از مضامین نسبتاً یکسانی برخوردارند. این مضامین در کنار عوامل متعدد دیگر، همواره به عنوان عاملی مؤثر در حفظ هویت ملی ایرانیان عمل کرده است.

کلیدواژه‌ها: آواهای کار، همگرایی ملی، همبستگی ملی، هویت ملی

۱. دانشجوی دکترای تاریخ و پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

تقویت همبستگی ملی با تخریب قومیت‌ها امکان‌پذیر نیست زیرا بخشی از فرهنگ قومی می‌تواند در راستای تقویت همگرایی ملی عمل نماید و در نهایت اقوام را به ارجح دانستن هویت ملی بر هویت قومی خویش رهنمون سازد. آواهای کار اقوام، از این دست فعالیت‌ها هستند. گام نخست برای برخورد آگاهانه با ادبیات قومی و به ویژه آواهای کار، شناخت آنهاست. به نظر می‌رسد در این زمینه کاری جدی انجام نگرفته است. هر چند گاه موسیقیدانی با تکیه بر علاقه شخصی خود به جمع‌آوری بخشی از آواهای کار و تبدیل آنها به مجموعه‌ای اقدام نموده است یا برخی پژوهشگران، در کنار تتبعات خود در ادبیات فولکلوریک، نیم‌نگاهی نیز به آواهای کار انداخته‌اند. اما واقعیت این است که هنوز پژوهشی عمیق و درخور نام بلند «آواهای کار» در ایران انجام نگرفته و هنوز کرانه‌های این اقیانوس عظیم ناشناخته باقی مانده است. از این‌رو نمی‌توان درباره آواهای کار، نظری دقیق و قاطع ابراز نمود. هر چند نوشتار حاضر با تکیه بر مطالعاتی برای ارائه گزارش درباره آواهای کار انجام شده اما ابراز نظر قطعی، دقیق، موشکافانه با ارائه مصادیق متقن، نیاز به صرف زمان بیشتری دارد. نتیجه اولیه آن مطالعات با کلیت این ادعا که آواهای کار می‌تواند در همگرایی ملی مؤثر باشد، منافاتی ندارد.

لازم به ذکر است که طرح این موضوع در مقاله‌ای کم‌حجم نمی‌گنجد و نیاز به صرف زمان بیشتر و ارائه مصادیق متعدد دارد. با این حال، امید است که صاحب‌نظران با نظرات ارزشمند خویش زمینه‌ساز ورود جدی‌تر به این مبحث کاملاً تازه گردند.

چارچوب نظری

موقعیت سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران، تحولات بسیاری را ایجاد کرده است. این سرزمین در طی قرون متمادی، شاهد ایجاد راههای تجاری، برخورد تمدن‌ها، جنگ‌ها و مهاجرت‌های بسیاری بوده است. حاکمیت اقوام غیر ایرانی عموماً گله‌دار که بر شمشیر تکیه داشتند به تضاد منافع جامعه روستایی با جامعه عشایری دامن می‌زد، همزمان

جنگ بین ارباب قلم و ارباب شمشیر و در سالهای بعد، نزاع‌های محلی (حیدری - نعمتی) و درگیری‌های فرقه‌ای، آتش این اختلاف‌ها را شعله‌ور می‌ساخت. اما در نهایت از دل این زمینه‌های نفاق، اقوام ایرانی به همبستگی ملی رسیدند و امروز شاهد آن هستیم که اقوام ایرانی با وجود داشتن هویت‌های قومی، دارای هویت بزرگتر و مهمتری به نام هویت ملی هستند.

برخی بر این باورند که وفاداری به باورها، آیین‌ها و آواهای قومی در تضاد با همگرایی ملی قرار دارد. اما نظریه دوم بر این پایه استوار است که داشتن هویت‌های چند سطحی در ایران، کاملاً طبیعی است، هویت‌های قومی لزوماً در تقابل با هویت ملی قرار ندارند و برخی از عناصر فرهنگ قومی، همچون آواهای کار، می‌توانند در راستای همگرایی ملی بررسی گردند. چارچوب نظری این مقاله بر اساس فرضیه دوم بنا نهاده شده است.

آواهای کار

منظور از آواهای کار، اشعار، جملات و صداهای آهنگینی است که به هنگام کار خوانده می‌شود. این اشعار که با اهداف خاصی چون تشویق به انجام کار بیشتر،



توصیف نوع کار، ایجاد محیطی فرح‌بخش در کار، تشویق خریدار به خرید محصول و توصیف آلام و دردهای کارگران، کشاورزان، دامداران و دستفروشان خوانده می‌شود، بخشی از ادبیات عامه محسوب شده و در مناطق مختلف با شیوه‌های متنوعی ادا می‌شود اما با وجود تأثیرپذیری از جغرافیا و فرهنگ اقوام مختلف گاه از مضامین نسبتاً یکسانی برخوردارند.

در مناطقی که دامداری اساس تأمین معاش مردم محسوب می‌شود، معمولاً آواهایی رواج دارد که در ارتباط با دام و مسائل پیرامون آن است. در مناطقی هم که شغل غالب مردم کشاورزی است، آواهای کار، رنگ و بوی کاشت، داشت و برداشت می‌گیرد. نوغان‌داران آواهای خاص خود را دارند، ماهیگیران نیز نغمه‌هایشان بوی دریا، ماهی و ساحل می‌دهد. آواهای کار قالبیافان سرشار از اصطلاحات خاص این شغل است. رنگ‌ها و ترتیب به کارگیری هر یک از آنها در نقش‌های مختلف و ارائه این همه در قالبی هنری، برگرفته از رنج و صبر و پشتکار انسان‌هایی عمیقاً غوطه‌ور در کار است. نغمه‌های چوپانان نیز مضمون و آهنگ خاص خود را دارد و برگرفته از خصوصیات چوپانی است. در این آواها تنهایی، عشق، حرمان و سگ و گله معمولاً با نوایی محزون روایت می‌شود. صاحبان مشاغل سنتی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. نغمه‌های آهنگین کار ایشان نیز، شرح محصول و کار و دعوت خریداران به خرید بیشتر است. باید توجه داشت که غنای اشعار کار با سطح دانش رسمی و آمیختگی مردم با مظاهر تمدن نسبت عکس دارد. به این صورت که آواهای کار مردم ساکن در کوه‌ها و مناطق دور افتاده به نسبت ساکنان دشت‌ها و شهرها از غنای بیشتری برخوردار است. آواهای کار با وجود نزدیکی در مضامین، معمولاً با توجه به فرهنگ‌های مختلف، تفاوت‌هایی با هم دارند. به عنوان مثال، هر چند در استان‌های شمالی کشور، آواهای فراوانی در ارتباط با شالیکاری خوانده می‌شود، اما این آواها دقیقاً همان آواهایی نیستند که شالیکاران دشت‌های کوچک و ساکنان دره‌های پر آب مناطق روستایی کهگیلویه و بویر احمد و بختیاری سر می‌دهند.

همچنین برخی آواها مختص یک فرهنگ خاص است و اشعاری شبیه به آن در دیگر مناطق به چشم نمی‌خورد. به عنوان مثال به نظر می‌رسد که اشعار نوغان‌داری در

شمال یا اشعار دستفروشان مناطق شهری، کاملاً اختصاصی بوده و در مناطق دیگر کمتر به این مضامین توجه شده است. همین‌طور نغمه‌های بلوط تکانی اختصاص به مردم مناطق غربی و جنوب غربی کشور دارد. همچنان‌که آواهای ماهیگیری نیز مختص بندر نشینان است.

از دیگر مشخصه‌های آواهای کار، همچون اغلب بخش‌های ادب عامه ناشناس بودن سرایندگان آنهاست. هر از چند گاه اشعار معروفی که به زبانزد و مثل تبدیل شده‌اند، در آواهای کار مردم منطقه‌ای راه یافته‌اند اما خالقان عمومی آواهای کار ناشناخته‌اند. از طرفی، آواهای کار همواره در حال تغییر و دگرگونی می‌باشند و این نغمه‌ها با گذشت زمان و تغییر روحيات استفاده کنندگان آنها با تغییراتی همراه می‌شود. به همین خاطر می‌توان ادعا نمود که آواهای هر نسل تا حدودی بیان‌کننده احساسات و روحيات همان به شمار می‌رود. اما جالب اینجاست که مختصات کلی آواها و مضامین آنها، با عبور از نسلی به نسل دیگر کمتر تغییر می‌کند و همین مشخصه‌ها می‌توانند به شناسایی اقوامی که در کلیات مفاهیم فرهنگی با یکدیگر قرابت بیشتری دارند، کمک کند. به عنوان مثال، اگر در باور ایرانی، کار جوهر مرد است و ایرانی‌ها آواهای کار را انعکاس صدای زندگی در بین زنده‌ها می‌دانند، این مفهوم در باور اکثر اقوام وجود دارد و به عبارتی در آواهای کار اقوام، این مفهوم تجلی می‌یابد یا نگاه تقدس‌آمیز اقوام به پیشوایان دین اسلام^۱ هم از ویژگی‌های مشترک دیگر این آواها می‌باشد؛ نام بردن از حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) در اشعار بسیاری تکرار شده است به ویژه در هنگام سختی‌ها، از امام اول شیعیان طلب یاری بسیار شده است که نمونه آن این آوای شیردوش گری است. (امیرسرداری، بروجرد، ۱۳۵۳)

num-e xodā nir-e ali	نوم خدا، نیر علی
čaš-e hasid puq-ey bali	چش حسید، پوقی بلی
num-e xodā nir overda	نوم خدا نیر آورده
junke-y del-em šir overda	جونکه دلم شیر آورده

۱. طبیعی است که آواهای پیروان اقلیت‌های دینی، از این قاعده مستثنی می‌باشد.

برگردان: نام خدا، نور علی
چشم حسود مثل بلوطی که در آتش افتاده، بترکد.
نام علی نور آورد، جان دلم شیر آورد
همچنین در بعضی روستاهای سیلخور لرستان شنیده شده است که هنگام درو
می خوانند:

اگر خسته جانی بگو یا علی اگر ناتوانی بگو یا علی
همچنین در سیرجان، از توابع استان کرمان، بذر پاشان اینگونه هنگام بذرباشی به
پیامبر اسلام اشاره کرده و باورهای عمومی را در قالب این کارنوا بیان می نمایند.
(صفری، کرمان، ۱۳۵۰)

بسم ا... الرحمن الرحیم، خدایا به امید تو ای کریم
بر کذاب همیشه به عذاب لعنت
بر دین و آیین محمد صلوات
بکارم و بردارم
هر دونه هزار دونه
بر چشم شور و آدم حسود لعنت
خدایا سلومتی^۱ (سلامتی) بده
دل خوشی بده
اوسالی^۲ (آبسالی) بده!

در اغلب آواهایی که چوپانان می سرایند و این آواها غالباً با نواختن نی همراه است، به
عناصر وحدت بخش اشاره شده است که از این قرارند: (مسعودیه، ۱۳۵۹: ۴۰ و ۳۸ و ۴۸)
بزن نی را که غم داره دل من هی الله بزن نی را که دوره منزل من هی
بزن نی را مقام خود (خود را) مگردان دانی مگردان الله مقام نی تسلائی دل من هی الله جان آخ هی

1. selumat-i
2. ôsâl-i

آخ اول نام خدای پاک و گویم
الله چون مجنون می روم در کوه و صحرا
دروود آن شه لولاک و گویم هی
ز جور گردش افلاک و گویم هی

آخ به قرآنی که خطش نا شماره وای
آ سر از سودای عشقت بر ندارم هی
آ محمد مصطفای من تو باشی
آ به فردای قیامت روز محشر هی
آ دلم شد عاشق نام محمد هی
الله به مولایی که تیغش ذوالفقار جان هی
الله که تا دین محمد بر قراره
الله کلمه آسمان من تو باشی نبی جان هی
الله به محشر عذرخوای من تو باشی نبی جان هی
الله بنوشم قطره از جام محمد ای

واضح است که اسامی وحدت دهنده دینی و ملی به وفور در آواهای کار مناطق مختلف به چشم می خورد و آنگونه که اشاره شد همین امر از عوامل وحدت بخش در آواهای کار به شمار می رود.

جالب این است که همبستگی نه تنها از مضامین این آواها که در ردیف آنها نیز گاه مشاهده می شود. چنانچه محمد تقی مسعودیه که پژوهشهایی را در باب موسیقی اقوام به انجام رسانده است در این مورد می نویسد: «بررسی هایی که نگارنده تاکنون درباره



ردیف موسیقی سنتی و موسیقی سایر نقاط ایران نموده است، ثابت می کند که از یک طرف بین موسیقی بعضی از مناطق ایران همبستگی وجود دارد و از جانب دیگر موسیقی این مناطق با ردیف سنتی قابل مقایسه است.» (همان: ۲۹)

این پژوهشگر پس از بیان نمونه دینی از دو بیتی های فایز و آواهای

تربت جام و اشعار شروه به ریشه‌های این همبستگی اشاره کرده و در خاتمه چنین نتیجه‌گیری می‌نماید که ردیف سنتی نیز با موسیقی برخی نقاط ایران همبستگی دارد. این همبستگی در درجه اول بین موسیقی بوشهر و آواز دشتی به چشم می‌خورد. اصولاً عنوان دشتی یا عناوین گوشه‌هایی مثل گیلکی، بیدکانی، چوپانی، دشتستانی و حاجیانی، خود رابطه آواز دشتی را با موسیقی سایر نقاط ایران نشان می‌دهد. (همان: ۳۱)

جالب است بدانیم عموم این مفاهیم وحدت‌بخش در آواهای اکثر اقوام وجود دارد و آنها اگرچه به زبانها و گویش‌های گوناگون احساس خود را هنگام کار بیان می‌کنند اما این احساس، هرگز از نظر مضمون، فاصله زیادی از هم ندارد.

ارتباط همبستگی ملی و آواهای کار

همان گونه که جنگ‌های اول و دوم ایران و روس در دوره فتحعلیشاه زمینه‌های بیداری ایرانیان را فراهم آورد و عهدنامه‌های ترکمنچای و گلستان با وجود لطمه‌های زیادی که به جامعه ایرانی وارد کرد، موجب تقویت روحیه حُب وطن شد. اشغال ایران در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول از سوی قوای خارجی نیز به نتایج مثبتی در ترجیح هویت ملی بر هویت قومی انجامید و باعث شد وطن‌خواهی، دینداری و اتحاد ملی به زبانی تقریباً یکسان دست یابند که بازتاب آن را در برخی اشعار آن دوره، از جمله شعر زیر می‌توان یافت (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۱۷)

ما ز اولاد خاک ایرانیم
 یادگار کیان و ساسانیم
 حرف حب الوطن من الایمان
 گفت بر ما که اهل ایمانیم
 مملکت شاه و ما رعیت او
 منتظر بهر امر و فرمانیم

شرکت تمامی اقوام و پیروان ادیان مختلف ایرانی در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران نیز نمادی از اتحاد اقوام مختلف ایران و اولویت دادن هویت ملی بر هویت قومی از جانب آنان به شمار می‌رود که تأثیر آن در تحکیم همبستگی ملی غیر قابل انکار است. در مجموع، همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، باید اذعان کرد که اتحاد ملی اقوام ایرانی آسان به دست نیامده است و وضعیت کنونی اتحاد ملی ما، دارای ریشه‌های

تاریخی و حاصل تلاش بی‌وقفه دلسوزان این آب و خاک در طول قرون متمادی است که تجلی برخی از این تلاش‌ها را در خلق آثار بدیع و ماندگار آواهای کار می‌توان مشاهده کرد؛ آواهایی که سراینده‌گان آنها ناشناس مانده‌اند.

فولکلور غنی، آداب و رسوم مشترک و مضامین همسان آواهای کار و زندگی از جمله عوامل شناخته شده تقویت‌کننده پیوندهای ملی به شمار می‌روند. آواهای کار در ایجاد درک متقابل و شناخت فرهنگ اقوام مختلف و ارتباطات فرهنگی اقوام، نقش به‌سزایی ایفا کرده‌اند زیرا مضمون بالنسبه مشترک این آواها به عنوان ویژگی عام فرهنگی به خودی خود وحدت‌بخش است و همچنین شهرت عام بسیاری از آواهای فولکلوریک، علاوه بر ایجاد زمینه آشنایی اقوام مختلف با آواهای اقوام دیگر- آواهایی که در محتوای آن تاریخ و حماسه تجلی می‌یابند - زمینه درک متقابل اقوام و بالا بردن آستانه تحمل آنان را نسبت به یکدیگر فراهم می‌آورد و در نهایت ملی شدن برخی از آنها به وفاق ملی کمک می‌کند.

برخی از آواهایی که به عنوان ترانه و شعر ملی تلقی و فراگیر شده‌اند از آواهای کار و زندگی اقوام اخذ شده‌اند. در این اشعار و ترانه‌های قومی، مضامین ملی فراوانی به چشم می‌خورد، مضامینی مانند ایران، وطن، شخصیت‌هایی که در قالب ملیت واحد مطرح هستند، نمادهای تاریخ باستانی مطرح در شاهنامه (رستم، کاهو، آرش و ...) قهرمانان و اسطوره‌هایی که به سرزمین تاریخی ایران تعلق دارند و در نزد اقوام ایرانی از محبوبیت برخوردارند مانند کوراوغلی برای اقوام ترکمن و آذری یا رییس علی تنگستانی برای مردم مناطق جنوبی ایران. ذکر شخصیت‌های ادبی، هنری و فرهنگی به سبب تعلق خاطر به آنها، اشاره به پرچم، سرود ملی، اعیاد، مراسم و مناسک ملی، اشاره به اسلام و مسلمانی به عنوان دین واحد، ترانه‌هایی که در متن خود پیام‌هایی مبنی بر تزکیه روح، گذشت، ایثار و فداکاری با الهام از عرفان اسلامی و فرهنگ ایرانی دارند و شاعران بزرگ اقوام ایرانی مانند مخرمقلی شاعر گرانقدر قوم ترکمن سروده‌اند و ترانه‌هایی که درباره تاریخ و وقایع مشترک گذشته و ملت و کشور ایران سروده شده‌اند (نظیر ترانه‌های دوران مشروطیت، ملی شدن صنعت نفت و ...) (کاظمی، ۱۳۸۰: ۵۸) از جمله دلایل مهم توجه به آواهای کار به عنوان بخشی از فرهنگ بومی این

سرزمین است.

احساس تعلق و تعهد به فرهنگ ملی از طریق فراهم آوردن امکان مشارکت اقوام و خرده فرهنگ‌ها، تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که اقوام مختلف ایرانی احساس کنند عناصر خاص فرهنگ قومی آنان مورد توجه قرار می‌گیرد. طرح مناسب عناصر فرهنگ قومی و تلاش در جهت سازگاری بیشتر عناصر فرهنگ قومی با عناصر فرهنگ ملی از جمله اقداماتی است که می‌تواند در تقویت همبستگی ملی مؤثر افتد. اما شاید مهم‌تر از اشتراکات ملی آواهای کار، ارزش‌های فراملی این آواها باشد که به طور معمول توجه زیادی به آنها نمی‌شود. گفته شد که مفاهیم اغلب آواهای کار مشترک هستند. یعنی هر



چند آواهای کاری که در شمال غربی ایران به زبان ترکی سروده شده‌اند در ظاهر با آواهای همان کار در جنوب شرقی ایران متفاوتند اما مفهوم آنها کم و بیش یکی است. این اشتراک فارغ از تأثیرات جغرافیایی و معیشتی - که تفاوت‌هایی اندک را در آواها رقم می‌زند - در حیطه وسیع‌تر نیز معنا پیدا می‌کند زیرا اشتراک‌های درونی آواهای کار این آثار گرانبه‌تر را به آثاری با زبان جهانی تبدیل می‌کند. آثاری که از جنبه‌های عاطفی قوی و به طور معمول از قدرت تأثیرگذاری فراوانی برخوردارند. آیا ظرفیت‌های جهانی کار و زندگی ایرانی شناخته شده است؟ به نظر می‌رسد که اولین قدم در انجام چنین کاری شناخت ابعاد وسیع این آواها باشد. با این امید که پیش از به فراموشی سپردن این

آثار ارزشمند اقدامات مؤثری در راه حفظ و تقویت آنها انجام پذیرد.

نتیجه گیری

۱- اقوام ایرانی با وجود زمینه‌های مناسب برای از هم گسیختگی و ناهمگرایی و با وجود حاکمیت سلسله‌های بیگانه در نهایت منافع ملی را بر منافع قومی ترجیح داده‌اند و حاکمان بیگانه را به فرهنگ خویش علاقه‌مند نموده و در خاتمه آنها را به فرهنگ ایرانی جذب نموده‌اند.

۲- داشتن هویت‌های چند سطحی و احساس تعلق‌های گوناگون همزمان، با توجه به شرایط تاریخی - فرهنگی ایران، طبیعی است و نباید وفاداری به آیین‌ها و آواها و باورهای قومی را صرفاً در راستای تضاد و تقابل با هویت ملی تلقی نمود بلکه باید جنبه‌های مشترک آواها، باورها و آیین‌های اقوام را در راستای تقویت همگرایی ملی بررسی نمود.

۳- آواهای کار از طریق مفاهیم مشترک، مثل اشاره به شخصیت‌های دینی همچون حضرت محمد(ص) و علی(ع) به هنگام کار و مانند کردن افراد پرکار به شخصیت‌های ملی همچون رستم می‌توانند موجب تقویت بن مایه فرهنگی و در نتیجه، تقویت احساس تعلق و تعهد به پیشینه مشترک شوند و به طور طبیعی در راستای همگرایی ملی عمل نمایند.

۴- برخی آواهای کار اقوام به آواها و ترانه‌های ملی تبدیل شده‌اند. شهرت این آواها و قبولی آن از سوی اقوام دیگر، خود به خود در راستای تفاهم و همگرایی ملی عمل کرده است.

۵- آواهای کار با وجود تفاوت‌ها، در چارچوب فکری (همچون نگاه به کار و تلاش و ابراز عاطفه نسبت به ابزار کار یا حیواناتی که در کار شریکند) اشتراکات زیادی دارند که این امر نیز ضمن ایجاد درک متقابل به همبستگی ملی کمک می‌کند.

۶- توجه به آواهای کار از سوی رسانه‌ها یا از سوی دیگر اقوام، سبب می‌شود که اقوام و خرده فرهنگ‌ها، احساس تعلق بیشتری نسبت به فرهنگ عمومی بنمایند. زیرا وقتی از سوی متولیان فرهنگ کشور به عناصر فرهنگی خاص ایشان، توجه می‌شود

احساس همگرایی ملی در آنها تقویت می‌گردد و اقوام مورد نظر نسبت به شاخصه‌های فرهنگ عمومی با دید مثبت‌تری می‌نگرند.



فهرست منابع

- ۱- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴) تبار شناسی هویت جدید ایرانی؛ عصر قاجار و پهلوی اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲- برتون، رولان (۱۳۸۴) قوم شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی، ج دوم.
- ۳- کاظمی، بهمن (۱۳۸۰) هویت ملی در ترانه‌های اقوام ایرانی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ۴- مسعودیه، محمدتقی (۱۳۵۹) موسیقی تربیت جام، تهران: سروش.

فرهنگیاران

- ۱- حسینعلی امیرسرداری، روستای فلک‌الدین بروجرد، لرستان، ۱۳۵۳.
- ۲- صفری، کرمان، ۱۳۵۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی